

Disciplinary Framework and Criteria for Political Activities of Clerics in the Religious Propagation Arena

Sayyed Sajjad Izdehi¹

Received Date: 2023/09/23

Accepted Date:2023/12/13

The elucidation of the manner in which clerics behavior and political activities manifest in the realm of preaching and propagation is crucial for ensuring the accuracy and effectiveness of their conduct, thereby enhancing their influence on their audience. Clerics should not only increase their awareness of political matters but also attend to the discipline of their behavior, aligning it with principles rooted in religious, rational, ethical, and customary considerations. These principles, serving as overarching criteria (strategies), such as ethical conduct, guidance, comprehensive vision, and ethics centrality, can be implemented. Beneath these overarching criteria, their behavior can be directed through strategies based on insight cultivation, situational awareness, perseverance, and inspiration. This research, while posing questions about the discipline and criteria of political activities among clerics in the preaching field, considers the discipline and criteria governing political activities for religious propagators. Through analysis of intellectual, religious, and cognitive sources, it emphasizes that adherence to preaching behaviors aligning with religious, rational, and customary criteria, within the framework of strategic criteria and corresponding strategies, can increase the impact and effectiveness of clerics' political activities. This approach has the potential to enhance public affinity for spirituality, augment the influence of their discourse and reasoning in the preaching sphere.

Keywords: Discipline, Criteria, political activities, Religious propagation, Clerics, Ethics.

1. Full Professor of the Political Science Department of the Islamic Systems Research Center, Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. (sajjadizady@yahoo.com).

قواعد و مقاييس النشاط السياسي لرجال الدين في مجال الدعوة

سيدسجاد ايزدهي^١

القبول: ١٤٤٥/٥/٢٩

الإستلام: ١٤٤٥/٣/٧

إن كفاية سلوك الطلاب ونشاطهم السياسي في مجال الدعوة تعد من الأمور التي يستطاع من خلال تبينها ضمان صحة سلوكهم ورفع كفاءتهم وزيادة تأثيرهم على متلقيهم. فبينما ينبغي على الطلاب زيادة وعيهم بالقضايا السياسية، عليهم الاهتمام بقواعد سلوكهم ووضع هذا السلوك في إطار الشرع والعقل والأخلاق والعرف. فكما يمكن تنفيذ هذه القواعد في مجالين، بناءً على مقاييس كلية (باعتبارها استراتيجية) مثل: اتباع الأخلاق، والإرشاد، والنظرة الشمولية، ومحورية الأخلاق، وفي ظل هذه المقاييس الكلية، ينظمون سلوكهم تحت إطار حلول قائمة على البصيرة، وتقييم الموقف، والابتعاد عن روح التعب وإضفاء الأمل. وهذا البحث يتضمن التساؤل عن القواعد ومعايير النشاط السياسي لدى الطلاب في مجال الدعوة، فضلاً عن العناية بتحليل ودراسة المصادر العقلية والدينية والمعرفية، والقواعد و المقاييس الحاكمة على مجال النشاطات السياسية لدعاة الدين و من خلال منهج الوصف والتحليل يؤكد على أن التزام السلوك الدعوي بالمقاييس الشرعية والعقلية والعرفية في إطار المقاييس الاستراتيجية والحلول المتلائمة مع تلك الإستراتيجيات ترفع من تأثير وكفاءة النشاط السياسي للطلاب، ويزيد من إقبال الناس إلى رجال الدين، كما يزيد من تأثير كلامهم ومنطقهم في مجال الدعوة.

الكلمات المفتاحية: القواعد، المقاييس، النشاط السياسي، الدعوة، رجال الدين، الأخلاق.

١. أستاذ في قسم السياسة في معهد بحوث النظم الإسلامية، مجمع بحوث الثقافة والفكر الإسلامي قم

(sajjadizady@yahoo.com).

ضابطه‌مندی و سنجه‌های فعالیت سیاسی روحانیان در عرصه تبلیغ

سیدسجاد ایزدهی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱

چکیده

چگونگی رفتار و فعالیت سیاسی طلاب در عرصه تبلیغ، از اموری است که تبیین آن، صحت و کارآمدی رفتار آنان را می‌تواند تضمین کند بر تأثیرگذاری آن نسبت به مخاطبان‌شان بیافزاید. طلاب ضمن اینکه باید آگاهی خویش نسبت مباحث عرصه سیاست را افزایش دهند، سزاوار است نسبت به ضابطه‌مندی رفتار خویش اهتمام ورزند و این رفتار را در گرو اموری شرعی، عقلی، اخلاقی و عرفی قرار دهند؛ چنان‌که این ضوابط در دو عرصه مبتنی بر سنجه‌های کلانی (به‌مثابه راهبرد) همچون اخلاق‌مداری، هدایت‌گری، جامع‌نگری و اخلاق‌محوری می‌تواند انجام شود و در ذیل این سنجه‌های کلان، رفتارشان را ذیل راهکارهایی مبتنی بر بصیرت‌ورزی، موقعیت‌سنجی، خستگی‌ناپذیری و امیدبخشی به انجام رسانند. تحقیق حاضر ضمن پرسش از ضابطه‌مندی و سنجه‌های فعالیت سیاسی طلاب در عرصه تبلیغ، تحلیل و بررسی منابع عقلی، دینی و معرفتی، ضابطه‌مندی و سنجه‌های حاکم بر عرصه فعالیت سیاسی برای مبلغان دینی را مد نظر قرار می‌دهد و بر اساس روش توصیف و تحلیل، بر این مدعا تأکید می‌کند که تقید رفتارهای تبلیغی به سنجه‌های شرعی، عقلی و عرفی در قالب سنجه‌هایی راهبردی و راهکارهایی متناسب با آن راهبردها، ضمن اینکه بر تأثیرگذاری و کارایی فعالیت سیاسی طلاب می‌افزاید، می‌تواند اقبال مردم به روحانیت را افزایش دهد و نفوذ کلام و منطق آنان در حوزه تبلیغ را افزایش بخشد.

واژگان کلیدی: ضابطه‌مندی، سنجه‌ها، فعالیت سیاسی، تبلیغ، روحانیت، اخلاق.

۱. استادتمام گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (sajjadizady@yahoo.com).

مقدمه

اموری چون «توجه اسلام به امور دنیایی در متن دین»، «وجود توصیه‌های سیاسی بسیار در آموزه‌های دینی و ادغام دو عنصر سیاست و دین»، «عنایت به تأکیدیاتی شرعی در عرصه تدبیر امور جامعه» و «وجود روایاتی دالّ بر حضور در عرصه سیاست»، باعث شده است عالمان دینی از دیرباز در صورت فقدان موانع سیاسی - اجتماعی، حضور قابل اعتنایی در عرصه مسائل عمومی جامعه و سیاست‌ورزی داشته باشند. این قضیه در پیامد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رویکرد پُررنگ‌تری یافت؛ به گونه‌ای که عملاً اداره امور جامعه و تدبیر و سیاست جامعه به عهده فقیهان نهاده شد و روحانیان و طلاب در بستر این نظام سیاسی، کارویژه‌های سیاسی بسیاری یافتند. با عنایت به اینکه رفتار و کردار روحانیان در عصر حاضر، نمایانگر چهره دین و سیره سلف صالح محسوب می‌شود، رفتار آنها الگو به‌شمار می‌رود و خطا در این عرصه، به نام دین محسوب می‌شود؛ بنابراین خطا در عملکرد سیاسی آنان باعث خواهد شد جامعه اسلامی، راه به خطا برده، بلکه به شکست یا ناکارآمدی حکومت دینی منجر شود که طبیعتاً به سربرداشتن مردم از روحانیان و به تبع آن اسلام می‌انجامد.

از این رو طلاب و روحانیان ضمن اینکه باید شریعت، اخلاق و معنویت را در امور سیاسی خویش مد نظر داشته باشند، ضمن پرهیز از کژی و اشتباه در فعالیت گفتاری و رفتاری خویش، رفتارهایشان در عرصه تبلیغ را به سنجه‌هایی معین، مقید نمایند تا ضمن برقراری ارتباط مطلوب و مستحکم‌تر با مخاطبان، از تبعات گفتار و رفتارهای غلط مصون باشند؛ زیرا عرصه سیاست بسیار لغزنده، پُرخطر و دارای بازیگران متعدد و تأثیرگذاری است که با حوزه‌های گوناگون زندگی انسانی، ارتباطی تنگاتنگ دارد. دقت و تأمل در این موضوع، حکم به ضرورت ضابطه‌مندی فعالیت‌های سیاسی طلاب در عرصه تبلیغ می‌دهد؛ چه آنکه آگاهی از کیفیت فعالیت‌های سیاسی نیز سبب می‌شود آنان در دام فتنه‌ها و مشکلات ناشی از مسائل سیاسی نیفتند و از عرصه سیاست و فرصت‌های آن به صورت مطلوبی در جهت تأمین غایات شریعت در جامعه استفاده کنند.

با وجود اینکه در سالیان گذشته کتب و مقالات بسیاری در مورد جایگاه روحانیت و طلاب نگارش شده، بلکه مباحثی ناظر به رویکرد سیاسی، اجتماعی طلاب در بستر انقلاب اسلامی نگاشته شده است که از آن جمله به کتاب‌هایی چون: روحانیت و تجدد (فراتی، ۱۴۰۰)، روحانیت و سیاست، مسائل و پیامدها (فراتی، ۱۳۹۵)، تعامل روحانیت با نظام اسلامی (فراتی، ۱۳۹۷)، روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی^ع (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع، ۱۳۹۱)،

حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای مقام معظم رهبری (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵)، روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی (علویان، ۱۳۸۴) و مقالاتی چون «منابع قدرت روحانیت شیعه در ایران» (قنبری، ۱۳۸۱) و «نقش و جایگاه اجتماعی — سیاسی روحانیت در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی» (عیسی‌نیا، ۱۳۹۳) می‌توان اشاره کرد، ولی با عنایت به آنچه در تراث پژوهش در مورد روحانیت صورت گرفته است، ظاهراً کتاب، مقاله یا پژوهشی ناظر به سنجش‌های فعالیت سیاسی طلاب و روحانیان به خصوص در عرصه تبلیغ صورت نگرفته است و از این رو مقاله حاضر، موضوعی بدیع را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.

تحقیق پیش رو در جهت پاسخ به پرسش از چرایی ورود طلاب به تبلیغ در حوزه‌های سیاسی و چیستی سنجش‌های ورود به این عرصه، ضمن توصیف و تحلیل داده‌های تحقیق، ورود به این عرصه را برای طلاب تجویز کرده است و ضرورت ورود به عرصه‌های تبلیغی در حوزه سیاسی را متناسب با مبانی دینی و در راستای تأثیرگذاری اجتماعی، در گرو سنجش‌هایی راهبردی و راهکارهایی متناسب با آن راهبردها قرار داده است تا ضمن افزایش تأثیرگذاری و کارایی فعالیت سیاسی طلاب، اقبال مردم به روحانیت را افزایش دهد و نفوذ کلام و منطق آنان در حوزه تبلیغ را تعالی ببخشد.

۱. مشارکت تبلیغی روحانیان در عرصه‌های سیاسی

امروزه دیگر نمی‌توان پذیرفت ورود به عرصه سیاست، به سیاست‌مداران اختصاص دارد و روحانیت را به پرهیز از آن ملزم کرد؛ زیرا موضوعات و مسائل سیاسی، ارتباطی ژرف، ناگسستنی و نظام‌مند با امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مردم دارد؛ از این رو فعالیت‌های سیاسی در زوایای زندگی بشری نفوذ کرده و شناخت، درک و تحلیل موضوعات و پدیده‌های سیاسی نیازمند بینش خاصی است. ضمن اینکه ضابطه‌مندی فعالیت‌های سیاسی در عرصه تبلیغ، موجبات راهبری فکری و عملی روحانیان در زندگی سیاسی را می‌تواند فراهم آورد و باتوجه به وجود مؤلفه‌های سیاسی و تلفیق دو عنصر دین و سیاست، دینداری مطلوب مردم را نیز می‌تواند تأمین کند. همچنین مردم در این باره قادر خواهند بود در رفتارهای سیاسی خویش بهترین راهبردها و راهکارها را برگزینند و به بهترین گزینه رهنمون شوند؛ بر این اساس باتوجه به اینکه نتیجه همواره تابع اخس مقدمات است، همچنان‌که عدم ورود دینداران — به خصوص طلاب و روحانیان — به گستره مشارکت سیاسی مطلوب در جامعه می‌تواند آسیب‌های فراوانی را به همراه داشته باشد، هرگاه فعالیت و مشارکت سیاسی طلاب و روحانیان در گرو سنجش‌های دینی، منطقی و عقلانی

– در عرصه سیاست – قرار گیرد، آثار و تبعات مطلوب بسیاری را برای افراد و جامعه اسلامی – بلکه نظام اسلامی – به‌ارمغان خواهد آورد که از آن جمله به «ضمانت بقای نظام اسلامی»، «پشتیبانی مطمئن برای حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی»، «کارآیی و کارآمدی نظام اسلامی»، «ضمانت اقتدار سیاسی حاکم و کارگزاران نظام دینی»، «ضمانت اجرایی وصول به اهداف نظام سیاسی اسلام»، «خنثی شدن توطئه و برنامه‌های دشمنان نظام اسلامی»، «همراهی و مشارکت فعال مردم در نظام سیاسی»، «نظارت بر حسن اجرای امور» و «اقامه قسط و عدل و فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر» می‌توان اشاره کرد.

۲. ضابطه‌مندی فعالیت سیاسی مبلغان

رویکرد شیطانی به سیاست، رویکردی مبتنی بر اِعمال قدرت و تحصیل منافع حاکمان است و در آن، دستیابی به قدرت، اصالت دارد و رسیدن به قدرت، پول و امکانات مادی به هر قیمتی هر چند با حیله، دروغ، خدعه و ظلم مجاز است، بلکه در این رویکرد، هدف سیاسی، توجیه‌کننده وسیله و ابزار حکمرانی است و از سوی دیگر رویکرد حیوانی به سیاست، ناظر به آسایش و تضمین منافع در زندگی انسان بوده و به ابعاد معنوی و الهی نظر ندارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲)؛ بنابراین فاقد معنویت‌مداری و کمال‌جویی در عرصه سیاست بوده و مقصود از اخلاق سیاسی در آن، اخلاق مبتنی بر رفاه و مادیات است، ولی در قبال این دو رویکرد، در آموزه‌های اسلام ضمن تأکید بر استفاده از سیاست به‌عنوان ابزار وصول به اهداف مادی و معنوی، رویکردی خاص از سیاست توصیه شده است که بر اساس آن: «سیاست دین (و تکمیل آن) به پارسایی و یقین نیکو است» (رسول محلاتی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۳۴)، «ملاک و معیار سیاست و تدبیر کارها عدالت است» (همان، ص ۹۵) و «ستمکاری، سیاستی نارواست» (همان، ج ۱، ص ۵۴۷).

این رویکرد، مقتضی است که سیاست‌ورزی مبتنی بر آموزه‌های اسلام، به ملاک‌ها و ضوابطی برآمده از ارزش‌ها و هنجارهای مورد پذیرش مسلمانان محدود باشد و فعالیت سیاسی جز ذیل این ملاک‌ها قابل قبول نباشد. برخی از این ملاک‌ها را که یا به‌وسیله شارع ارائه شده یا مبتنی بر عقلانیت بوده و مورد تأیید قرار گرفته است، در ذیل عناوینی چون «وفای به عهد و عمل به وعده‌ها»، «محوریت عمل به شریعت»، «تلاش در جهت تأمین اهداف شریعت»، «اخلاق محوری و پرهیز از اعمال غیراخلاقی»، «عدالت‌محوری و پرهیز از ظلم و ستم»، «صداقت‌محوری و عدم به‌کارگیری خدعه، نیرنگ، بهتان و دروغ»، «محوریت مراعات

مصلحت‌های شرعی و پرهیز از مصالح فردی و خودخوانده»، «عمل به تکلیف الهی»، «عدم استفاده از مقدمات ناشایست و حرام برای رسیدن به هدف مطلوب»، «مراعات کرامت انسانی در رفتارهای سیاسی و حفظ حرمت شهروندان» و «انطباق اعمال سیاسی بر فطرت، عقل و عرف» می‌توان قرار داد.

براین اساس عدم مشارکت سیاسی و فقدان ضابطه‌مندی در این باره به چالش‌هایی اساسی می‌تواند منجر شود و آسیب‌هایی را برای بازیگران عرصه سیاست - به خصوص روحانیت - در فضای جامعه دینی و ظرف حکومت اسلامی می‌تواند به‌ارمغان بیاورد؛ چه آنکه ورود مناسب طلاب و روحانیون به عرصه سیاست‌ورزی و اداره مطلوب امور جامعه و انطباق رفتارهای آنان بر دین و خرد، آثار و پیامدهای مطلوبی را برای نهاد روحانیت، جامعه و حکومت اسلامی می‌تواند به‌ارمغان آورد و در گستره‌هایی همچون «هدایت فراگیر مردم به آموزه‌های اسلامی»، «تبلیغ رفتارهای مناسب دین در عرصه اجتماع»، «دفاع از کیان اسلامی» و «کمک به حفظ و کارآمدی نظام اسلامی» تأثیر فراگیر خواهد داشت؛ چنان‌که عدم به‌کارگیری سنجش‌های شرعی، عرفی و قانونی در فعالیت‌های تبلیغی در عرصه سیاسی، موجبات آسیب بسیاری چون «دور ماندن از بصیرت»، «ناتوانی از دستیابی به نظام جامع دینی در گستره امور فردی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...»، «گرفتار شدن در دام افراط و تفریط»، «وقوع در انحراف و اشتباه ناشی از جهل نسبت به نظام جامع دینی»، «قرار گرفتن در مناقشه و ستیزهای طولانی و کینه‌جویانه مبتنی بر سیاست‌زدگی»، «فراپیش توانایی‌ها و استعدادها»، «تضعیف باور اعتماد مردم به روحانیت و به تبع، تضعیف عقاید و اخلاق دینی جامعه» و «خروج دینداران از عرصه مدیریت امور جامعه و میدان‌داری افراد غیر معتقد، ریاکار و فرصت‌طلب» خواهد شد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره مدلل و الگویی از رفتار سیاسی را مد نظر قرار می‌دهد که الگویی برای فعالیت سیاسی منطبق بر آموزه‌های شرعی محسوب می‌شود. بر اساس این منطق، ضمن تأکید بر پیروزی بر دشمنان، تحقق آن به هر صورت را غیر مجاز اعلام می‌کند و چه بسا تحقق آن را در گرو وسیله و ابزار مشروع قرار داده است: «هرکس با توسل به گناه به پیروزی نایل شود، پیروز نیست و کسی که با ستم غلبه کند، مغلوب است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷/ مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۲۶-۳۲۷).

بر اساس این منطق، فعالیت سیاسی باید منطبق بر امور مشروع باشد و پیروزی در سایه ظلم و ستم به دیگران، مورد نهی قرار گرفته است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶/ مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۲،

ص ۸۵)؛ چنان‌که امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} با اشاره به اعتبار ضابطه سیاست‌ورزی صحیح، رفتار سیاسی مطلوب را به ملاک‌های شرعی مقید می‌داند و این‌گونه اظهار می‌دارد که معاویه از ایشان سیاستمدارتر نیست؛ زیرا او نیرنگ کرده و مرتکب انواع گناه می‌شود و اگر نیرنگ ناپسند و ناشایسته نبود، وی سیاستمدارترین مردم بود (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۰/ مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۵۵).

فارغ از ادله درون‌دینی، آنچه بر ضرورت ضابطه‌مندی فعالیت در عرصه سیاست تأکید می‌کند، پیچیدگی این عرصه و مهیاب‌بودن آن برای انحراف و اشتباه است؛ زیرا عملکرد و رفتار اصحاب دین، تأثیر بسیاری در قضاوت مردم و شهروندان درباره دین دارد و فقدان آشنایی روحانیان با فعالیت‌های مطلوب سیاسی مبتنی بر عقل و شرع، بر ساحت دین خدشه وارد خواهد ساخت. طبعاً در این صورت از تأثیرات عمل سیاسی روحانیت کاسته می‌شود و این فعالیت‌ها در جهت منافع و اهداف دشمنان قرار خواهد گرفت.

تاریخ، گواه است که اندیشمندان بسیاری با وجود آشنایی با آموزه‌های دین، به‌علت فقدان شناخت صحیح زمانه، وضعیت زیست‌محیط جامعه و عدم درک دقیق موضوعات سیاسی، رفتارهای متناسب از خود بروز نداده و در برخی اوقات، فعالیت آنان به ریختن آب در آسیاب دشمن انجامیده است؛ از این رو فهم، درک و دریافت مهارت‌هایی که به تأثیر مضاعف رفتار روحانیت در جامعه انجامیده و عملاً در کوتاه‌ترین زمان، استوارترین نتایج را به‌ارمغان بیاورد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و مستدعی اکتساب مهارت‌های خاص در این عرصه برای روحانیت است. طبعاً این قضیه، تأثیر فعالیت در عرصه سیاست را تضمین کرده و بر عمق آن خواهد افزود، بلکه بر این اساس الگویی در فعالیت سیاسی منطبق بر ملاک‌ها و معیارهای شرعی و عقلی می‌توان ارائه کرد.

از این رو بایسته و شایسته است طلاب و روحانیان به‌عنوان ارکان دین‌داری و معنویت جامعه، با فراست و هوشیاری کامل، ورود به عرصه سیاست را ذیل ضوابط قرار دهند و به‌همین‌علت در رویارویی با ستیزه‌ها و برخوردهای گروه‌ها و احزاب سیاسی، راهکار مناسب اتخاذ کنند و با حاکم‌کردن شاخص‌ها و اصول دینی در فعالیت سیاسی خویش، از افراط و تفریط دوری جویند و از این راه غایات و مقاصد شریعت در جامعه را تأمین کنند.

۳. سنجه‌های فعالیت سیاسی روحانیان در عرصه تبلیغ

فارغ از ضرورت ورود طلاب به عرصه فعالیت سیاسی در گونه‌های متفاوت متناسب با دین و

حوزه‌های علمیه و ضابطه‌مندی آن، این فعالیت‌ها باید مقید به سنجه‌های کلانی باشد که حجیت و کارآمدی این فعالیت‌ها را تضمین کند و به تأثیرگذاری آن بیافزاید و باوجود اینکه به سنجه‌های بسیاری برای فعالیت سیاسی طلاب در عرصه تبلیغ می‌توان اشاره کرد، ولی بحث از سنجه‌های اختصاصی نسبت به فعالیت سیاسی طلاب در عرصه تبلیغ مقتضی است این سنجه‌ها ذیل تقسیمی موجه، منضبط شود تا ضمن اینکه بتواند فعالیت سیاسی - تبلیغی طلاب را ضابطه‌مند کند، به تأثیرگذاری آن نیز بیافزاید؛ براین اساس تحقیق حاضر، سنجه‌های فعالیت سیاسی طلاب در عرصه تبلیغ را ذیل دو ضابطه تنظیم کرده است؛ از یک سو سنجه‌هایی کلان ناظر به راهبردهای شرعی همچون «اخلاق محوری»، «هدایت‌گری»، «اعتدال و میانه‌روی» و «قانون‌گرایی» وجود دارد که ناظر بر رفتارهای اخلاقی است و به‌همین دلیل به رفتارهای مبلغان، معنا و جهت می‌دهد و در سوی دیگر می‌توان به سنجه‌هایی خردتر و به‌مثابه راهکارهای تحقق راهبردهای کلان مانند «امیدبخشی»، «موقعیت‌سنجی» و «استقامت» اشاره کرد. این راهکارها ضمن اینکه ذیل سنجه‌های کلان و راهبردی جای می‌گیرند، ناظر به شرایط جامعه در رفتار فعالان عرصه تبلیغ سیاسی جای می‌گیرند و در جهت آن سنجه‌های کلان توصیه می‌شوند.

۳-۱. سنجه‌های کلان و راهبردی

۳-۱-۱. اخلاق محوری

در مورد دخالت اخلاق در عرصه سیاست سه نظریه وجود دارد، درحالی‌که برخی غایت اخلاق و سیاست را از یکدیگر متمایز دانسته‌اند؛ براین اساس با انکار نسبت میان این دو، دخالت هر یک در حریم دیگری را ناروا دانسته‌اند (پازارگاد، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۲۶۰)؛ برخی براین باورند که اخلاق باید در راستای اهداف سیاست به‌کار گرفته شود و می‌توان از اخلاق برای دستیابی به هدف‌های سیاسی بهره‌گرفت (آشوری، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲-۱۵۳). این درحالی است که مکتب اسلام، سیاست را بر محور اخلاق تجویز کرده و در تزاخم میان سیاست و اخلاق، بر اصالت اخلاق تأکید می‌ورزد. بررسی سیره سیاسی اهل بیت^{علیهم‌السلام} نشان می‌دهد آنان هیچ‌گاه از منطق «هدف وسیله را توجیه می‌کند» پیروی نکرده‌اند و به‌هیچ‌عنوان از ابزارهای غیراخلاقی برای وصول به اهداف اخلاقی - الهی بهره‌نگرفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۵۶)؛ بر همین اساس امیر مؤمنان علی^{علیه‌السلام} روش معاویه در حيله، نیرنگ، نقض پیمان و ظلم را برای رسیدن به اهداف خویش برنتابیده و بر مراعات اصول اخلاقی و الهی در سیاست‌ورزی تأکید می‌کرد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶).

جدا از اینکه اخلاق‌گزیزی در عرصه سیاست، به شیوع رفتارهای غیراخلاقی در جامعه کمک می‌کند، بهره‌گیری از موارد غیراخلاقی همچون خدعه و نیرنگ در سیاست، سبب خواهد شد گستره آن به مناسبات فرهنگی و اجتماعی نیز سرایت کند. ضمن اینکه توسعه آن به حریم سیاسی و حکومتی، بنیان جامعه و اساس دین را به ورطه افول و خطر می‌اندازد (همان، خطبه ۴۰).

ضرورت اخلاق‌مداری و قراردادن ضابطه اخلاق برای رفتارهای سیاسی، می‌طلبد طلاب و روحانیان با تکیه بر سیره سلف صالح خویش، اخلاق‌محوری در رفتار سیاسی را مد نظر قرار دهند و با پرهیز از رفتارهای غیراخلاقی، علاوه بر توجه به اهداف اسلام و انقلاب، روش‌های دستیابی به آن هدف را نیز مورد اهتمام قرار دهند و از اموری همچون دروغ، حيله، پیمان‌شکنی، ظلم، ظاهر فریبی، ظلم و ستم در راه دستیابی به اهداف، دوری جویند و دیگران را نیز از این امور بازدارند. طبعاً طلاب، در عرصه امور سیاسی باید رفتارهایی متناسب با این غایات و منطبق بر این شاخصه‌ها از خود بروز دهند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) اخلاقی کردن فضای انتخابات: روحانیان و طلاب به دلیل تعهد، امانت‌داری و تقوایی که مردم از آنها سراغ دارند، همواره مورد اطمینان و مراجعه مردم بوده‌اند؛ بنابراین باید به گونه‌ای رفتار کنند که ضمن حفظ مرجعیت فکری خویش در جامعه، با فراهم آوردن بستر مناسب برای مراجعه مردم، آنان را در انتخاب افراد اصلح در انتخابات، بلکه انتخاب مسیر صحیح سیاسی یاری کنند و دیدگاه‌های کارشناسی شده و امانت‌دانه‌ای ارائه دهند.

عدم شناخت کافی و سودمند نامزدهای انتخاب، انتخاب تعصب‌آمیز، قبیله‌گرایی و بر اساس تبلیغات زر و زورمدارانه و توجه به شایعات، ضررها و خطرهای فراوانی را متوجه مردم، کشور و نظام دینی می‌کند که گاهی جبران‌ناپذیر است؛ به همین دلیل از بایسته‌های مهم، سرنوشت‌ساز و عقلانی در انتخابات، شناخت و آشنایی کافی از نامزدها و در نتیجه انتخابی درست و شایسته از میان آنان است. این امر باعث می‌شود چند وظیفه محوری برای فعالیت‌های سیاسی در عرصه تبلیغ مد نظر روحانیت قرار گیرد:

انتخابات، نماد مشارکت فراگیر مردمی در نظام سیاسی بوده، میزان مشارکت مردم در آن نشان‌دهنده مقبولیت مردمی و دغدغه‌همراهی و مسئولیت‌پذیری مردم در ذیل نظام سیاسی است؛ براین اساس فارغ از اینکه چه کسی در انتخابات به پیروزی می‌رسد، آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، میزان مشارکت مردم در انتخابات می‌باشد؛ از این رو مهیا کردن بستر مشارکت حداکثری مردم، از مهم‌ترین وظایف طلاب و روحانیان است. البته این امر به معنای نادیده انگاشتن

اهمیت‌گزينش افراد و احزاب صالح، دين‌دار، كاردان، معتقد به مباني ديني، حامی محرومان و مدافع ارزش‌های اخلاقی و نیروهای دلسوز و وفادار به انقلاب اسلامی در انتخابات نیست.

انتخابات معمولاً در فضایی صورت می‌پذیرد که بسیاری افراد و احزاب که جایگاه مردمی مطلوبی ندارند و از شایستگی‌های لازم نیز بهره‌مند نیستند، به‌جهت تأثیرگذاری بر فضای عمومی زمان انتخابات، فضای شفاف و سالم جامعه را غبارآلود می‌کنند و در سایه اموری همچون عوام‌فریبی، دادن وعده‌های دروغین و غیرقابل عمل، تعریف و تمجیدهای بی‌جا و ناروا، تبلیغات پُرزرق و برق، شایعه‌پراکنی و تهمت‌زدن، سوء استفاده از اختلافات قومی و نژادی، سوء استفاده ابزاری از مقدسات و آموزه‌های دینی و دست‌یازیدن به شیوه‌های تبلیغاتی غیراسلامی، موجبات ناسالم‌شدن و غیراخلاقی‌شدن فضای انتخابات را فراهم می‌آورند که در نتیجه به بی‌توجهی و روی‌گردانی مردم از انتخابات، فریب مردم و گزینش غیر صحیح و انتخاب‌نشدن افراد کاردان و شایسته می‌انجامد. طبیعی است روحانیان، طلاب و مبلغان دینی باید با عدم ورود به مسائل جناحی و صنفی، زمینه مناسب برای سالم‌سازی فضای انتخابات برای گزینش واقعی نظر مردم و انتخاب افراد صالح را فراهم آورند و مردم، حامیان و نامزدان انتخابات را به رعایت عدالت انتخاباتی و مراعات شئون دینی و اخلاقی دعوت نمایند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۲).

ب) **صداقت‌محوری:** صداقت و راست‌گویی در همه ادیان و مذاهب تأکید شده است و همه جوامع، عمل بر مقتضای صداقت و راست‌گویی را اصلی اساسی محسوب می‌کنند. در نقطه مقابل، دروغ‌گویی انحراف از مسیر فطرت و آفرینش بوده، از بدترین رذایل اخلاقی و زیان‌بارترین گناهان به‌شمار می‌آید و با شخصیت والای انسانی منافات دارد. در دین اسلام از دروغ به‌عنوان گناه کبیره یاد شده است و در منابع دینی، دروغ به‌عنوان صفت رذیله برشمرده می‌شود و در مقابل، راستی و راست‌گویی بسیار ستایش شده است (ر.ک: آمدی تمیمی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹).

افراد صادق، امین و مشاور مردم محسوب می‌شوند و دیگران خواهان مصاحبت با آنان‌اند. دورویی ناشی از دروغ‌گویی سبب می‌شود فردی که در زندگی به‌عنوان دروغ‌گو شناخته شود، مورد اعتماد و همراهی کسی قرار نگیرد و همواره دیگران از اعتماد و همراهی با وی پرهیز کنند.

از آنجاکه صداقت و راستی به مقوله گفتار محدود نمی‌شود، بلکه عرصه رفتار و کردار را نیز دربرمی‌گیرد، مردم افرادی را صادق می‌دانند و به آنان اعتماد می‌کنند که ظاهرشان با باطن‌شان همراه بوده و گفتارشان با کردارشان مطابقت می‌کند و در زندگی خویش به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که دیگران را به آن دعوت می‌کنند؛ چنان‌که افرادی را که رفتار و عملکردشان مطابق گفتار و ادعایشان

نیست، دورو و منافق می‌دانند و به آنان اعتماد نمی‌کنند (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۰۴).

اگرچه صداقت و راستی در گفتار، رفتار و کردار برای همگان پسندیده است، ولی باعنایت به اینکه طلاب و روحانیان، داعیه‌دار اخلاق، معنویت و مبلّغ راست‌گویی و راست‌کرداری‌اند و الگوهای رفتاری مردم در اجتماع محسوب می‌شوند، از روحانیت جز سلوک در این مسیر انتظار نمی‌رود؛ براین اساس روحانیت در صورتی در وصول به اهداف خویش موفق خواهد بود که بتواند اعتماد مردم را جلب کند و امینی مطمئن برای آنان به حساب آید. طبعاً جلب اعتماد، در طول زمان و با مشاهده رفتار و کردار مستمر افراد حاصل می‌شود؛ بر همین اساس جلب اعتماد مردم و هدایت آنان جز به واسطه راستی در گفتار، کردار و رفتار به دست نمی‌آید. طبیعتاً طلاب، به خصوص کسانی که پای در عرصه سیاست و مدیریت می‌گذارند، فقط در صورتی می‌توانند در هدایت مردم به سمت آرمان‌های اسلامی - انقلابی موفق باشند که بتوانند نظر آنان را در مورد راست‌گویی و پاکدامنی تحصیل نمایند؛ براین اساس طلاب و روحانیان اگر در مواردی مرتکب اشتباهی شدند، باید در کمال صداقت، اشتباه خویش را بپذیرند و از مردم پوزش بخواهند، نه آنکه با اصرار بر اشتباه خویش، عملکرد خود را توجیه کنند؛ زیرا این رفتار در درازمدت به از میان رفتن اعتماد مردم منجر می‌شود و چه بسا به تنفر آنان از دین بیانجامد. بر اساس این منطق، در قضیه شورای شش نفره خلیفه دوم، هنگامی که خلافت به حضرت علی علیه السلام و عثمان محدود شد و عاقبت کار به تصمیم عبدالرحمان بن عوف رسید، ایشان در مورد شرط بیعت که مقید به عمل به سیره شیخین (خلیفه اول و دوم) شده بود، می‌توانست با گفتن یک دروغ، خلافت را به دست بگیرد و پس از آن به کتاب خدا و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله - نه سیره خلفای پیشین - عمل کند و با این کار مسیر تاریخ را عوض کرده و منافع بسیاری را برای جهان اسلام به ارمغان بیاورد، ولی آن حضرت از گفتن این دروغ به ظاهر مصلحتی امتناع کرد (طبری، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

۳-۱-۲. هدایت‌گری

مشارکت سیاسی و حضور در فعالیتهای سیاسی در دین اسلام، اصالت ندارد؛ چنان‌که تشکیل حکومت و تدبیر امور جامعه که غایت فعالیت و مشارکت سیاسی محسوب می‌شود نیز دارای اصالت نیست و فقط به عنوان وسیله و ابزاری برای دستیابی به اهداف دین و اجرای آموزه‌های آن در جامعه مطلوبیت دارد (نهج البلاغه، خطبه ۳۳)؛ از این رو در دین اسلام، ورود در عرصه فعالیت‌های سیاسی فقط به جهت تأمین اهداف دین اسلام مطلوبیت دارد. در این میان آنچه در مورد ورود طلاب و روحانیان به فعالیت سیاسی ضرورت دارد، هدایت افراد، نهادها و گروه‌های

سیاسی - اجتماعی به‌سوی آرمان‌های دینی است و آنان باید با ارائه تحلیل صحیح از وضعیت جامعه و نیازهای روز، آنها را در مسیر بصیرت سیاسی هدایت کنند.

مطابق منطق هدایت‌گری که مستلزم استفاده از قدرت به‌مثابه‌وسیله‌ای برای خدمت به خلق، تبلیغ دین، تربیت انسان‌ها و سوق‌دادن جامعه انسانی به غایات الهی است، هرگاه طلاب و روحانیان از این مسیر منحرف شوند و قدرت و منصب را در مسیر مال‌اندوزی، دنیاگرایی، رفاه‌طلبی و سوء استفاده به‌کار گیرند، از اهداف دین دور خواهند افتاد. ضمن اینکه چون این اعمال به‌دلیل هویت صنفی روحانیت به حساب دین گذاشته می‌شود، ضربات بعضاً جبران‌ناپذیری بر پیکره دین وارد می‌سازد. برخی از رفتارهایی که در این باره باید مد نظر روحانیت قرار گیرد، از قرار ذیل است:

الف) دعوت به حق و حقیقت: از لوازم و راهکارهای هدایت‌گری روحانیت در فعالیت‌های سیاسی - تبلیغی، حق‌طلبی و حقیقت‌گرایی است. دین اسلام، دین حق است (صف: ۹) و خداوند راه حق را مشخص ساخته، مسیر دستیابی به آن را نیز ارائه کرده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۷) و از مردم نیز جز این دین را نمی‌پذیرد (رسول محلاتی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۳)؛ بر همین اساس مردم به‌صورت عام و فعالان سیاسی به‌صورت خاص باید در جهت حق‌گرایی و حق‌طلبی حرکت کنند و از گفتن سخن حق پرهیز نکنند؛ هرچند موجبات سختی و زحمت را به‌دنبال داشته باشد. در این میان روحانیت شیعه به‌عنوان عالمان دینی که درک مناسبی از دین و آموزه‌های حق‌گرایانه آن دارند و از راه‌های دستیابی به آن آگاه‌اند، اولویت و برجستگی خاصی در قرارگرفتن ذیل این ملاک دارند.

ازسوی‌دیگر اصولاً فعالیت سیاسی در فضای شفاف صورت نمی‌پذیرد و معمولاً حق و باطل روشن و هویدا نیستند؛ مثلاً انتخابات معمولاً در بستر و فضای مناقشه‌های اجتماعی و ستیزه‌جویی‌های سیاسی واقع می‌شود و تبلیغات پُررنگ و لعاب، قدرت انتخاب سالم را از مردم عادی می‌گیرد؛ به‌همین دلیل افراد غیرصالح و گروه‌های باطل، نه فقط ماهیت واقعی خویش را تبلیغ نمی‌کنند، بلکه ادعای حقانیت و مظلومیت می‌نمایند؛ بنابراین شناخت حق از باطل در چنین محیطی بسیار دشوار خواهد بود (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰). در چنین شرایطی بر گروه‌ها و متفکران بصیر به‌خصوص روحانیان لازم است با روشن کردن فضای سیاسی و زدودن غبار ستیزه و تعصبات حزبی و صنفی، ملاک‌ها و معیارهای حق و باطل را به مردم بشناسانند و در سایه آن، بهترین افراد را برای تصدی امور کشور و جامعه به مردم توصیه کنند.

دعوت به حقیقت در فرایند تبلیغی مستدعی است هرگاه گروه‌ها و جناح‌های سیاسی‌ای صلاحیت ورود به مناصب سیاسی را نداشته باشند، ذیل جناح رقیب قرار داشته باشد یا از صنف و گروه منتسب به روحانیت نباشد، روحانیت به‌دور از تعصب‌های قومی، صنفی و حزبی همچون پدری مهربان و هدایت‌گری دلسوز، فرد یا گروهی را به مردم معرفی کنند که واجد ملاک‌های مطلوب باشد.

طلاب باید ضمن ارائه ملاک تشخیص افراد اصلح، مردم را در تطبیق مصادیق بر ملاک‌ها یاری رسانده و در فرایند مشورت، درصد اطمینان بیشتری را برای گزینش گزینه‌های مطلوب فراهم سازند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۰).

ب) رویکرد مشفقانه و پدران: هدایت‌گری روحانیت در جامعه، مقتضی رویکرد مشفقانه و پدران نسبت به مردم است؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ، خود و حضرت علیؓ را پدران امت اسلامی نامیده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۵).

طبیعی است با توجه به اضافه واژه «پدر» به «امت» و انتساب آن به اهل بیتؑ، افرادی را پدران امت می‌توان نامید که ظهور و هویت امت به آنها مستند باشد و آنان با شفقت و مهربانی، هادیان مردم به سوی صلاح و پیشرفت بوده، بنای جامعه اسلامی و اصلاح و هدایت آن را برعهده دارند؛ براین اساس روحانیان و علمای اسلام به‌عنوان جانشینان انبیا و ائمهؑ در عصر غیبت (متقی هندی، ۱۴۰۹، ص ۲۸۶۷۹) را پدران معنوی امت می‌توان نامید و وظایف و کارویژه‌هایی همسو با وظایف پیامبران و ائمهؑ برای آنها قائل شد؛ ازاین رو آنان علاوه بر اینکه باید در روزگار طولانی غیبت، پناهگاه مردم در عرصه‌های علمی و اعتقادی باشند و توان علمی و عملی خویش را در مرزداری از حریم اسلام، صرف نمایند، شایسته است امت اسلام را فرزندان خویش بدانند و رفتاری پدرانانه با آنها داشته باشند و با رعایت اخلاق و رفتاری پدرانانه و بزرگوارانه، از طرفداری خاص بپرهیزند و تبعیض در رفتار را وانهند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۵۰).

ضرورت ورود روحانیان به سیاست و حضور پدرانانه در این عرصه، مقتضی رفتارهای خاصی است که موجب صلاح جامعه می‌شود و کارآمدی و تأثیر رفتار آنان را نیز تضمین می‌کند.

طبعاً هرگاه روحانیت، مدیریت اموری در عرصه سیاست و حکومت را عهده‌دار شود، باید جایگاه خویش را نه به‌عنوان مدیر و رئیس، بلکه پدری مهربان در مجموعه ذیل مدیریت خویش فرض کند و همت خود را در تربیت افراد و سوق دادن آنها به سوی تعلیمات اسلامی متمرکز سازد.

رویکرد پدرانانه در عرصه امور سیاسی برای روحانیت اقتضا دارد که طلاب و روحانیان

در صورتی مردم را متعلق مشورت خویش قرار دهند که آنان طالب آن باشند؛ همچنان که مقتضی است از افراد به صورت خاص در تریبون‌ها و محافل عمومی اعلان حمایت نکنند و به بیان معیارها و شاخصه‌های فرد اصلاح اکتفا کنند؛ زیرا این امر به وحدت عمومی جامعه می‌تواند ضربه وارد سازد و تبعاتی را - در صورت پیروزی یا شکست نامزد انتخاباتی - در جامعه رقم بزند.

۳-۱-۳. جامع‌نگری؛ تعادل و میانه‌روی

اعتدال و میانه‌روی، از اموری است که همواره در همه جوامع و مکاتب تأکید شده است؛ چنان‌که به مقتضای فهم عقلا و روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام}، افرادی که در ورطه افراط و تفریط گرفتار می‌آیند، انسان‌های جاهل بوده و انسان عاقل همواره میانه‌روست. در همین راستا شایسته است طلاب و روحانیان نیز در رفتارهای خویش در عرصه سیاست، از دو سو به اعتدال و میانه‌روی توجه کنند: از یک سو تکثرگرایی و وجود فرقه‌ها، نحله‌ها و احزاب در اسلام مورد پذیرش قرار گرفته است و طبیعتاً همگان نمی‌توانند مانند یکدیگر فکر کنند و یکسان عمل نمایند، ولی این به معنای جواز گروه‌بندی بر محور ملاک‌های باطل و تعصب‌های فرقه‌ای و ستیزه‌جویی آن نیست، بلکه فقط گونه‌ای از گروه‌گرایی مورد تأیید است که در مدار حق و تابع اختلاف سلاطین یا اختلاف اجتهاد در فروع اسلامی باشد؛ بر این اساس گروه‌گرایی که ناشی از افراط و تفریط، دوری از اخلاق و آموزه‌های دینی، کج‌روی و انحراف و گرایش به چپ و راست یا شرق و غرب بوده و در صراط مستقیم نباشد، مورد تأیید نخواهد بود (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰). طبیعتاً طلاب و روحانیان که با آموزه‌های دینی آشنایی دارند و خط فکری خویش را از منابع و مبانی دینی می‌گیرند، ضمن اینکه خود بر این اعتدال فکری قرار خواهند داشت، شایسته است ضمن ترسیم اصول سیاسی اسلام برای مردم، دیگران را نیز بدین سو دعوت کنند؛ بنابراین لازم است از اعمال سلیقه‌های فردی و تأکید بر گرایش‌های خاص جناحی و قومی بپرهیزند و با قرار گرفتن بر محور میانه و طریق حق، همگان را به این مسیر دعوت کنند (همان، خطبه ۱۶).

از سوی دیگر عقلانیت در رفتار سیاسی اقتضا می‌کند فعالان سیاسی در فعالیت‌های خویش از هرگونه افراط و تفریط دوری ورزند و اعتدال را مراعات کنند. این منطق گاهی در اوج فعالیت‌های سیاسی و به جهت پیروزشدن در رقابت‌های انتخاباتی یا موارد مشابه، فراموش می‌شود و برخی به جهت منافی که در سایه پیروزی یا شکست گروهی خاص در انتخابات به دست می‌آورند، در صدد برمی‌آیند به هر ترتیبی فرد مورد نظر خویش را پیروز سازند و در این راه، افراط و تفریط‌هایی را مرتکب می‌شوند. طبعاً با وجود اینکه این عمل از سوی هر فردی، ناشایست و غیرقابل

قبول است، ولی انجام این اعمال از سوی طلاب که الگوی رفتاری مردم محسوب می‌شوند و رفتارشان به حساب دین گذاشته می‌شود، پذیرفتنی نیست و چه بسا این کار موجبات بدنامی دین و اصحاب دین را فراهم می‌آورد، مردم را از روحانیت و مساجد دور می‌سازد و الگوی ناسالمی را برای دیگران باقی می‌گذارد. قاعدتاً اگر مردم از طلاب چنین رفتاری را ببینند، به خود حق می‌دهند اموری فراتر از آن را مرتکب شوند. این امر در نهایت به غیرسالم شدن فضای رفتاری جامعه می‌انجامد و در نهایت به آشوب، بی‌نظمی و بی‌ثباتی منجر می‌شود.

ملاک اعتدال علاوه بر الزامات پیش‌گفته، رعایت بی‌طرفی و عدم دخالت در مبارزات و کشمکش‌های جناحی، میانه‌روی در گفتار و کردار نسبت به مردم، نامزدها و حامیان آنها، حفظ حرمت‌ها و پرهیز از اسراف و تندروی، عدم استفاده از امکانات مساجد و محافل دینی، سالم‌سازی فضای انتخابات و توجه دادن مردم به تبلیغات ظاهری و فریبنده است. این بخش از تحقیق، ناظر به ملاک اعتدال، به برخی از رفتارهای شایسته روحانیت در عرصه سیاست اشاره می‌کند:

الف) فقدان رفتار جناحی: از جمله ضرورت‌های رفتاری شایسته روحانیان در عرصه سیاسی و از الزامات رفتار فرا جناحی این است که در سیاست‌ورزی به خصوص در عرصه انتخابات که مملو از منازعات سیاسی، تبلیغات جناحی، کشمکش‌های فکری و فرهنگی است، نباید با طرفداری علنی از گروه یا حزبی خاص، گروهی دیگر را ناشایست معرفی کرد؛ زیرا همه نامزدهای انتخابات پس از تأیید نهادهای ذی صلاح، واجد صلاحیت در تصدی منصب مورد نظرند و نفی صلاحیت برخی، باعث تشکیک در نظر قانونی نهادهای ذی صلاح می‌شود. افزون‌براین چنین رفتارهایی به اعتماد و احترام مردم به روحانیت لطمه شدید وارد می‌سازد و با فروکاستن آنان از جایگاه «پدری مهربان» به «رقیبی سرسخت»، زمینه تلاش برخی برای تضعیف و شکست آنان را فراهم می‌آورد و نفوذ کلام، اقتدار و احترام‌شان را کاهش می‌دهد. این امر سبب کدورت و ناراحتی برخی گروه‌ها و احزاب معتقد و وفادار به نظام ولایی خواهد شد و در نهایت باعث از میان رفتن یا کاهش جایگاه معنوی و مذهبی روحانیت در جامعه می‌شود و دوری مردم از مساجد و محافل دینی را رقم خواهد زد.

براین اساس سزاوار است روحانیان که مهم‌ترین نهاد مورد اعتماد مردم‌اند و عمدتاً مرجع مشورت آنان محسوب می‌شوند، برای حفظ خاستگاه و جایگاه فکری و دینی، رویکرد فرا جناحی خویش را حفظ کنند و از اموری چون دخالت مستقیم در انتخابات و جانبداری افراطی از نامزدها یا گروه‌های خاص، موضع‌گیری علیه برخی افراد و گروه‌ها، افراط در بیان مواضع شخصی، پیگیری

منافع فردی و گروهی از تریبون‌های مذهبی و استفاده نابجا از امکانات مساجد و محافل مذهبی به نفع اشخاص، پرهیزند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۲۹۵).

گرچه رویکرد فراجناحی روحانیت، مقتضی این نیست که آنان برای حفظ جایگاه خویش، نسبت به انتخابات و امور آن مسامحه و پرهیز کنند و از آن کناره بگیرند؛ زیرا این خطر همواره وجود دارد که دشمنان از این نقطه نفوذ کنند و با وارد کردن افراد غیرشایسته - بلکه نفوذی - ضربات جبران‌ناپذیری به کشور وارد سازند (همان، ج ۱۸، ص ۲۷۶).

روحانیان با رصد گرایش‌ها و جناح‌های سیاسی و عملکرد آنها باید ضمن هشدار و توجه به آنان در مورد انحراف احتمالی از مسیر درست، به مردم نیز در این مورد اطلاع‌رسانی کنند. طبیعتاً عدم طرفداری یا مخالفت صریح روحانیان در صورتی است که انحراف آشکاری وجود نداشته باشد و همگان ذیل قانون و شرع به فعالیت سیاسی و انتخاباتی مشغول باشند، ولی در صورتی که انحراف از اصول مشخص دین و قانون صورت پذیرد، نه تنها نباید از دخالت در این قضایا کناره گرفت، بلکه باید با دخالت فعال، با انحراف و کژی برخورد کرد و ضمن نصیحت و هدایت، مردم را نیز از آن آگاه ساخت و از حمایت آن منصرف کرد.

۳-۱-۴. قانون محوری

قانون مداری و التزام به قوانین، از ضروریات بقا و استمرار نظام سیاسی و ضامن آرامش و امنیت جامعه است، بلکه استمرار و پایایی نظام‌های سیاسی در گرو اقبال و انکار مردم نسبت به قوانین و مقررات موجود در سطح جامعه و حکومت است؛ از این رو در همه نظام‌های سیاسی، نه تنها عمل و التزام به قانون به عنوان یک وظیفه اجتماعی - سیاسی محسوب می‌شود، بلکه تخلف از آن قانون، ملاک هرج و مرج و ناامنی فرض شده و از این رو قانون‌گریزی همواره و در همه نظام‌ها نکوهش شده است.

باعنایت به اینکه در راستای جهان‌بینی توحیدی اسلام، فقط قوانینی از حجیت و مشروعیت برخوردارند که به وحی الهی و دین مستند باشند، اطاعت از قانون، مطلق نیست و تمکین از آن در گرو مشروعیت قانون و استناد آن به دین و خداوند می‌باشد؛ بر همین اساس در فقه شیعه همواره بر قانون و مراعات آن تأکید شده است و حتی مخالفت پیامبر ﷺ با قانون نیز قابل پذیرش نیست (همان، ج ۱۰، ص ۳۵۳).

همواره در فقه شیعه بر قانون‌مداری تأکید شده و قانون‌شکنی مستلزم عقوبت برشمرده شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بر التزام و تمکین همگان نسبت به قانون تأکید می‌کند و

قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی را جرمی نابخشودنی دانسته است؛ هرچند مخالفت با قوانین حاکمان جائز به‌خاطر نامشروع بودن این حکومت‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۵۳-۵۴)؛ براین اساس به‌هیچ‌عنوان پذیرفته نیست که افراد، قانون و راهکارهای قانونی آن را زیر پای گذارند و تفسیر خویش از شریعت و اسلام را محور عمل قرار دهند و قانون مصوب جمهوری اسلامی ایران را به‌چالش بکشانند. طبیعی است روحانیان و طلاب که به آموزه‌های دینی دسترسی دارند، حق ندارند در برابر قوانین مصوب نظام اسلامی، قرائتی از اسلام را که خود یا گروهی خاص می‌پسندند، محور عمل قرار دهند و طریقی متفاوت از قانون را بپیمایند.

«تنبیه خودسرانه متهمان بدون مراجعه به مراجع قضایی»، «مصونیت قائل شدن برای خود و حزب خویش در رفتارهای ساختارشکنانه و متخلفانه»، «فرار از جرایم مالی و مالیاتی به بهانه‌های ظاهراً مقبول»، «تخریب جناح مقابل به هدف اعتلای ارزش‌های اسلامی و انقلابی»، «بخشش تبعیض‌آمیز از بیت‌المال به افراد خاص با اغراض ظاهراً انقلابی» و بسیاری از رفتارهایی که خارج از قانون و با دورزدن قانون صورت می‌پذیرد، از موارد خلاف بوده و باید از سوی روحانیان و طلاب که در مناصب سیاسی قرار دارند، ترک شود و بلکه آنان این عمل را باید منکر تلقی کنند و افراد و گروه‌های مرتکب را از آن اعمال بازدارند.

فرار از قانون و قانون‌شکنی، هرچند با اغراض مقدس باشد، ممکن است در کوتاه‌مدت نفعی را برای اسلام و انقلاب به‌ارمغان بیاورد، ولی با شکستن حرمت قانون و زیر پای گذاشتن آن، هرج‌ومرج فراگیر می‌شود و این احتمال وجود دارد که قانون‌مندی، استثنای پذیر شود و برخی افراد دیگر نیز خود را به علل و توجیهاات دیگر، از قرارگرفتن ذیل چتر قانون معاف بدانند که این امر تبعات بسیار بدی برای جامعه اسلامی به‌ارمغان خواهد آورد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جریان حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و در پاسخ به افراد و گروه‌هایی که از نتیجه انتخابات تمکین نکردند و باوجود اعلام رسمی و قانونی، خود را برنده انتخابات اعلام داشتند، بر حرکت آنان بر مدار قانون تأکید کرد و خواستار اعتراض آنان از طریق مجاری و نهادهای قانونی شد. ایشان با فصل‌الخطاب اعلام‌کردن قانون به‌عنوان محور زندگی سیاسی - اجتماعی بر این نکته تأکید داشت که از میان‌رفتن چهارچوب‌های قانونی و رویکرد غیرقانونی در این مسئله، می‌تواند سنگ‌بنای ناهنجاری اجتماعی و سیاسی برای سال‌های بعد باشد (خامنه‌ای، سخنرانی معظم‌له در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۹؛ مندرج در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7190>).

۳-۲. سنجه‌های رفتاری ناظر به راهکار

۳-۲-۱. امیدوار کردن مردم به آینده و نظام

از میان بردن روح امید به آینده، توانایی فائق آمدن بر مشکلات و ایجاد روحیه یأس نسبت به کارآمدی نظام اسلامی، از جمله اموری است که مد نظر دشمنان انقلاب اسلامی قرار گرفته و می‌کوشند با القای این مسئله در جامعه، زمینه‌های ناامیدی آنان را فراهم آورند. این امر به بی‌توجهی یا دلسردی از حضور در انتخابات، راهپیمایی‌ها و تمامی فعالیت‌های در جهت تقویت نظام می‌انجامد.

با در نظر داشتن عواملی که به روح یأس و ناامیدی می‌تواند دامن بزند، به چند طریق می‌توانیم روح امید و انگیزه حمایت و مشارکت را در مردم تقویت کنیم و از این راه، توطئه دشمنان را از میان برداریم:

عمده عواملی که بستر یأس و ناامیدی مردم را فراهم می‌آورد، عبارت‌اند از: «مشکلات و معضلات اقتصادی همچون بیکاری و گرانی»، «اختلاف‌ها و نزاع‌های بی‌مورد سیاسی»، «نفاق و خیانت برخی صاحب‌منصبان»، «احساس بی‌تأثیر بودن آرای مردم»، «برگزاری ناسالم انتخابات»، «وجود شایعه‌ها و تهمت‌های فراوان علیه مسئولان نظام»، «توطئه‌ها و کارشکنی‌های دشمنان داخلی و خارجی نظام»، «ناکارآمدی ادارات دولتی و وجود دیوان‌سالاری عظیم و بی‌فایده» و «رشوه و پارتی‌بازی در نهادهای دولتی».

روحانیان و طلاب باید از سویی با آگاهی از وضعیت مناسب و نامناسب فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور، مردم را با حقایق کشور و انقلاب آشنا سازند و با تحلیل‌های درست، علت مشکلات را بازگو کنند. افزون‌براین با تمایز حقیقت از شایعه، دست‌اندرکاران دشمن در انحراف افکار عمومی را از دست آنان بگیرند و با دفاع منصفانه و به‌دور از اغراق از انقلاب، دست‌اوردهای جمهوری اسلامی ایران را به مردم بنمایانند و مانع دلسردی مردم از انقلاب و اهداف آن شوند. البته این امر نافی مسئولیت اطلاع‌رسانی کارگزاران متعهد و رده‌بالای کشور نیست. آنان ضمن اینکه موظف‌اند در رفع بعضی از این مشکلات بکوشند، باید با اطلاع‌رسانی از عملکرد مطلوب خویش، مانع از دلسردی و بی‌توجهی مردم شوند.

ازسوی دیگر لازم است به کارگزاران و مسئولان کشور نسبت به عواقب اعمالی که به یأس و ناامیدی مردم می‌انجامد، هشدار دهند و با تبیین این نکته که پایه و شالوده نظام «مردم‌سالاری دینی» متکی بر آرا و مشارکت مردم است و آنان در حقیقت ولی نعمت و صاحب اختیار انقلاب‌اند،

مردم را نیز به ایجاد فضای تذکر و انتقاد سالم سوق دهند.

همچنین باید این آگاهی را به مردم داد که شرکت فراگیر آنان در انتخابات که به گزینش کارگزاران صالح منجر می‌شود، سبب خواهد شد افرادی لایق، کاردان و متعهد در مناصب سیاسی - اجتماعی جای بگیرند.

بسیاری از معضلات و دشواری‌ها به اصل نظام دینی مرتبط نیست، بلکه به کارگزاران نالایق، بی‌تخصص و دنیامدار مستند است؛ به همین دلیل حضور متعهدانه مردم در انتخابات و گزینش مناسب آنان، موجبات رفع مشکلات را فراهم می‌آورد و فضای امید را به کشور و جامعه تزریق خواهد کرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۸۲-۱۸۳).

۲-۳. استقامت، صبوری و خستگی‌ناپذیری

صبر که در لغت به معنای «واداشتن خویش به آنچه مقتضای دین و خرد است» و «نگهداری آن از آنچه نزد شرع و عقل ناپسند است» آمده (عبدالباقی، [بی‌تا]، ص ۴۷۴)، از مفاهیمی است که مؤمنان در مبارزه و رویارویی با مشکلات طبیعی و غیرطبیعی از آن کمک می‌گیرند و زمینه اندیشه و شکوفایی را فراهم می‌سازند. این واژه نیز مانند بسیاری از واژگان، دچار تحریف شده است و نزد برخی به اموری همچون «صبر در مقابل ستم»، «جواز توسری خوردن» و «گذشتن از حق خود» که بُعد منفی دارد، تعریف شده است.

صبر و شکیبایی از آن رو توصیه شده است که انسان‌ها به دلیل فشارها، موانع و مزاحمت‌های گوناگون ممکن است از اهداف خویش دور گشته و از مسیر تعیین شده منحرف شوند. اگر انسان‌ها در برابر این عوامل شکیبایی و پایداری نکنند و تسلیم آنها شوند، از پای درمی‌آیند و از تحقق اهداف خویش باز خواهند ماند (هود: ۱۱۲).

تاریخ زندگی اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر این مدعا حکایت دارد که آنان در سخت‌ترین وضعیت و نامناسب‌ترین موقعیت‌ها با یقین به نصرت و یاری الهی، در برابر مشکلات صبوری کردند، آنها را پشت سر گذاشتند و طی مدت زعامت و رهبری امت اسلام، هیچ‌گاه مأیوس و ناامید نشدند و تکلیف الهی خویش را به‌انجام رساندند (نهج‌البلاغه، خطبه ۳/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۱۸). سیره عالمان شیعه در طول تاریخ نیز نشان می‌دهد که آنان با اعتقاد و ایمان به اسلام و آرمان‌های آن، با صبر و شکیبایی در برابر موانع و مشکلات فراروی خویش، تکلیف خود را انجام دادند و با راهبری مناسب جامعه، دین را ترویج کرده و آن را به نسل‌های بعدی منتقل کردند. چنانچه عالمان در برابر ناملایمات و مشکلات شکیبایی و مقاومت نمی‌کردند و تسلیم وضعیت و

موانع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی، فشار و ظلم حاکمان و... می‌شدند، هیچ‌گاه دین توسعه نمی‌یافت و میراث گرانقدر اهل بیت علیهم‌السلام به نسل‌های بعد منتقل نمی‌شد.

باتوجه به اینکه «صبر» مفهوم وسیعی دارد و تمامی زوایای زندگی انسانی، به‌خصوص عرصه سیاست را دربرمی‌گیرد، طلاب و روحانیانی که پای در عرصه سیاست گذارده، هدایت عام مردم در این عرصه را بر عهده می‌گیرند، باید با یقین به خداوند و تکیه بر بشارت‌های الهی، هدف مقدس ترویج و تبلیغ دین و تحقق آموزه‌های آن در عرصه جامعه را مد نظر قرار دهند، در راه حق، خستگی به خود راه ندهند و با صبوری در برابر مشکلات و موانع، راه سخت را بر خویش هموار سازند و در سایه مقاومت و شکیبایی، به انتظار پیروزی بنشینند، بلکه شاهد پیروزی را در آغوش بکشند. طلاب، با ایمان به خداوند و روز جزا و باور به این وعده تخلف‌ناپذیر الهی که عاقبت از آن افراد با تقواست، نباید هیچ‌گاه از مسئولیت شکیبایی‌شان خالی کنند و بدانند هرکس بر مرکب رهوار صبر نشیند، هرگز به زمین نخواهد خورد.

براین‌اساس روحانیان باید پس از شناخت حق از باطل و با پرهیز از افراط و تفریط و با اتخاذ خط و مشی سیاسی متعادل و بی‌طرفانه، هدایت مردم به‌سمت مطلوب را بر عهده گیرند و با ثبات قدم و استواری در این مسیر، از سختی‌ها و دشواری‌های راه نهراسند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۹۸).

۳-۲-۳. موقعیت‌سنجی و بصیرت‌مندی

علاوه بر امور ضروری همچون انگیزه، ایمان، آگاهی، تخصص، مسئولیت‌پذیری و... که موفقیت هر کاری را تضمین می‌کند، موقعیت‌شناسی و زمان‌بندی مناسب، از ارکان اساسی در جهت وصول به موفقیت در هر عملی محسوب می‌شود؛ براین‌اساس هرگاه فعالیت‌ها با دو عامل موقعیت‌شناسی و زمان‌بندی مناسب محدود نشود و افراد نتوانند در زمان درست و در مکان درست قرار گیرند و اعمال مناسب با آن زمان را انجام دهند، احتمالاً وصول به موفقیت امکان‌پذیر نباشد، بلکه ضرر و زیان بسیاری از این جهت به فرد یا جامعه می‌رسد که بعضاً قابل جبران نخواهد بود. ضمن اینکه با گذشت زمان مناسب، نه‌تنها انجام عمل ممکن است بی‌فایده باشد، بلکه مستوجب ضرر و خسارت نیز خواهد بود.

تاریخ اسلام شاهد موارد بسیاری است که بر اساس آن، یا فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی افراد به‌گونه مناسب انجام نشده است یا در موقعیت مناسب، صورت پذیرفته است و از این حیث خسارت‌های بسیاری بر جهان اسلام وارد شده است؛ برای نمونه بسیاری از مردم کوفه که از حمایت امام حسین علیه‌السلام شانه خالی کردند و با سکوت خویش، زمینه را برای شهادت ایشان فراهم

آوردند، گرچه پس از زمان کوتاهی پشیمان گشتند و با توبه از رفتار خویش، عَلم مخالفت با حکومت یزید را برافراشتند و حتی جان خویش را نیز در این راه فدا کردند، ولی اگر این حمایت و جان فشانی در رکاب امام حسین علیه السلام انجام می شد، چه بسا صحنه تاریخ عوض می گشت، امام حسین علیه السلام به شهادت نمی رسید، حاکمیت حق بر باطل پیروز می شد و مجالی برای حکمرانی بنی امیه و در سال های بعد، بنی عباس پیدا نمی شد و فجایع بسیاری که بعدها ایجاد شد، اصلاً تحقق نمی یافت (خامنه ای، سخنرانی معظم له در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۰؛ مندرج در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4790>).

نتیجه

سیاست ورزی و فعالیت سیاسی، گستره ای پیچیده دارد و دارای زمینه و بستر خطر انحراف و اشتباه بسیاری است و فقدان آشنایی روحانیت و طلاب در عرصه تبلیغ مرتبط با حوزه سیاست، با راهکارهای فعالیت های مطلوب سیاسی، ساحت دین را می تواند مورد خدشه قرار دهد، بلکه این فعالیت ها را در جهت منافع و اهداف دشمنان سوق دهد. از آنجاکه روحانیت به مثابه پدران معنوی امت، وظایفی در راستای وظایف پیامبران دارند، باید مرجع مردم در مورد آگاهی از نوع رفتارهای متناسب مردم در جامعه باشند و به همین دلیل سزاوار است نسبت به امت مسلمان همچون فرزندان خویش رفتار کنند و با ترک تعصبات شخصی و حزبی، از طرفداری نسبت به افراد خاص پرهیز کنند و آموزه های دینی را ملاک طرفداری از افراد و گروه ها قرار دهند. همچنین باید در فرایند رصد عملکرد جناح های سیاسی، بر اساس ملاک ها و معیارهای اسلامی، ضمن هشدار و توجه به آنان در مورد انحراف احتمالی از مسیر درست، به مردم نیز در این باره اطلاع رسانی کنند.

طلاب، جدا از اینکه به دعوت مردم به مشارکت سیاسی فراگیر و فعال موظف اند، باید اولویت خویش را نه در غلبه و پیروزی یک حزب سیاسی، بلکه بر اهتمام مردم، گروه ها و احزاب به اصل مشارکت سیاسی فعال، به خصوص در عرصه انتخابات و استفاده از حق انتخاب قرار دهند. در این راستا شایسته است طلاب با آگاهی از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، مردم را در فضای حقایق کشور و انقلاب قرار دهند و با تحلیل های درست، علت مشکلات را بازگو نمایند و با تمایز حقیقت از شایعه، دستاویز دشمن در انحراف افکار عمومی را از دست وی بگیرند و با دفاع منصفانه، دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران را به مردم نمایانده و آنان را از توطئه دلسرد کردن مردم از انقلاب و اهداف آن آگاه سازند.

طبعاً سنجه‌هایی مانند اخلاق‌مداری، صداقت‌پیشگی، هدایت‌محوری، میانه‌روی و قانون‌گرایی، درصد تأثیر رفتار تبلیغی آنان را می‌تواند تضمین کند و کارآمدی آن را بالا ببرد و در این صورت است که می‌توانند ضمن صبوری، استقامت رفتاری، بصیرت‌مداری و موقعیت‌سنجی معرفتی، به امیدآفرینی نسبت به آینده مردم و نظام اقدام کنند و آنان را نسبت به وظایف خویش آگاه سازند و به سمت صلاح، رهنمون شوند.

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
۱. آشوری، داریوش؛ فرهنگ سیاسی؛ تهران: مروارید، ۱۳۷۵.
 ۲. آمدی تمیمی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۶.
 ۳. پازارگاد، بهاء‌الدین؛ تاریخ فلسفه سیاسی؛ تهران: زوار، ۱۳۵۹.
 ۴. خمینی، سیدروح‌الله؛ صحیفه امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
 ۵. دفتر مقام معظم رهبری؛ حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
 ۶. رسولی محلاتی، هاشم؛ ترجمه غررالحکم و دررالکلم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
 ۷. طبری، عمادالدین؛ تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأبرار؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۶.
 ۸. عبدالباقی، محمدفؤاد؛ معجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم؛ تهران: مکتبه السهروردی للدراسات والنشر، [بی تا].
 ۹. علویان، مرتضی؛ روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی؛ قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
 ۱۰. عیسی‌نیا، رضا؛ «نقش و جایگاه اجتماعی - سیاسی روحانیت در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه سپهر سیاست؛ ش ۲، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۰۵-۱۳۱.
 ۱۱. فراتی، عبدالوهاب؛ تعامل روحانیت با نظام اسلامی؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
 ۱۲. فراتی، عبدالوهاب؛ روحانیت و تجدد؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰.
 ۱۳. فراتی، عبدالوهاب؛ روحانیت و سیاست، مسائل و پیامدها؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
 ۱۴. قنبری، آیت؛ «منابع قدرت روحانیت شیعه در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی؛ ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۱، ص ۲۶۷-۲۸۱.
 ۱۵. متقی‌هندی، علاء‌الدین؛ کنز العمال؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
 ۱۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
 ۱۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه؛ تهران: دارالکتب

الإسلاميه، ۱۳۷۵.

۱۸. مكارم شيرازى، ناصر؛ ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۹.

۱۹. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۱.

۲۰. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۳، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷.

